

نامهای اصیل ایرانی | نام های اصیل ایرانی

آبان : نام ایزد نگهبان در کیش زردشت

آبان دخت : دختر آبان ، نام زن داریوش سوم

آبتین : نام پدر فریدون پادشاه پیشدادی

آتوسا : قدرت و توانمندی - دختر کوروش وزن داریوش اول

آفر : آتش - ماه نهم سال شمسی

آفره دخت : دختر آتش - دختری که در ماه آذر به دنیا آمده است .

آذرنوش : شیرین و دل انگیز

آذین : زیور، طاق نصره، تزئین ، آرایش

آراه : نام فرشته موکل روز ۲۱ از ماه پنجم در آئین زردشت

آرزو : کام ، مراد ، معشوق ، امید

آرش : درخشان ، آفتاب ، جد بزرگ اشکانیان - پهلوان کمانگیر ایرانی در لشکرمنوچهر

آرشام : بسیار قوی - پدر بزرگ داریوش کبیر هخامنشی

آرمان : آرزو - خواهش - امید

آرمین : آرام گرفتن - پسر کیقباد پادشاه پیشدادی

آرمیتا: آرامش یافته ، کلمه ای زردشتی است

آریا فر: دارنده شکوه آریایی

آریا : آزاده نجیب - یکی از پادشاهان ماد - مهمترین نژاد هند و اروپایی

آریا مهر : دارنده مهر ایران - از سرداران داریوش سوم

آرین : سفید پوست آریایی

آزاده : دلیر و بی باک ، رها

آزرم : شرم ، مهر ، محبت ، عشق

آزرمدخت : يکي از ملکه هاي ساساني

آزيتا : آزاده

آناهيتا : الهه آب

آونگ : شبنم - نام کردي

آهو: شاهد ، معشوق ، يکي از همسران فتحعلي شاه قاجار

آيدا : شاد، ماه - نام تذکمنب

اتاپک : پدر بزرگ ، مربي کودکان و شاهزادگان - نام ترکي

اتسز : لاغر و استخواني - از پادشاهان خوارزم

اختر : ستاره ، علم ، درفش

ارد : خير وبرکت ، فرشته نگهبان ثروت - نام چند تن از پادشاهان اشکاني

اردشير : شير زيبا - اردشير بابکان بنيانگذار سلسله ساسانيان

اردوان : نام پادشاهان معروف اشکاني

ارژن : درختي با چوب بسيار سخت و محکم - نام کردي

ارژنگ : آرايش - کتاب ماني نقاش - ديوي که رستم در هفتخوان او را کشت

ارسلان : شير، دلير و شجاع - نام پادشاه سلجوقي

ارغوان : نام درختي با گل و شکوفه هاي سرخ رنگ

ارمغان : هديه ، تحفه ، سوغات

ارنواز: نوازش شده اهورا - دختر جمشيد شاه پيشدادي

اروانه : نام گلي کوهي است - نامي کردي

استر : ستاره - بردارزاده مردخاي وزن خشايارشاه

اسفنديار : پاک آفريده شده - پسر گشتاسب که بدست رستم کشته شد

اشکان : منسوب به اشک - بنیانگذار سلطنت پارتها

اشکبوس : پهلوان کوشانی که به کمک افراسیاب آمد، اما به دست رستم کشته شد

افسانه : داستان ، سرگذشت ، حکایت گذشتگان

افسون : سحر و جادو ، حيله و تزوير

افشین : با همت - سردار ایرانی که بابک خرمدين را دستگیر کرد.

امید : انتظار ، آرزو

انوش ( آنوشا ) : استوار و جاوید - دخترمهرداد ششم

انوشروان : دارنده لوح جاویدان - لقب خسرو اول پادشاه ساسانی

اورنگ : عقل و کیاست ، تخت پادشاهی

اوژن : شکست دهنده ، دشمن برانداز

اوستا : نام کتاب آسمانی زردشت

اهورا : صاحب ، فرمانروای دانا

ایاز : بزرگ و پاینده - نام غلام ترک سلطان محمود غزنوی

ایران : محل زندگی آریائیها

ایراندخت : دختر ایران

ایرج : یاری دهنده آریائیها - پسر فریدون ، پادشاه و پهلوان ایرانی

ایزدیار : کشتی که خداوند یار اوست

بابک : پدر کوچک ، جد اردشیر ، پسر ساسان

باپوک : کولاک ، نامی کردی

باربد : پرده دار ، موسیقی دان و نوازنده دربار خسرو پرویز

بارمان : لایق - نام سردار افراسیاب

بامداد : پگاه ، سپیده دم - نام پدر مزدک

بامشاد : کسی که در سحرگاهان شاد است - نوازنده مشهور دربار ساسانیان

بانو : خانم ، ملکه ، لقب آناهیتا الهه نگهبان آب

بختیار : خوشبخت ، خوش اقبال - استاد رودکی در موسیقی

برانوش : مهندس رومی که پل شوشتر را در زمان شاپور ساسانی

بردیا : پسر کورش و برادر کمبوجیه

برزو : بلند قامت - پسر سهراب و نوه رستم دستان

برزویه : طبیب مشهور انوشیروان و مترجم کلیله و دمنه از هندی به پهلوی

برزین : بلند و تنومند - از پهلوانان ایران - نام پسر گرشاسب

برمک : از وزیران ساسانی - نام اجداد و نگهبانان آتشکده بلخ

بزرگمهر : خورشید بزرگ - نام وزیر دانشمند انوشروان ساسانی

بکتاش : بزرگ ایل و طایفه - نامی ترکی

بنفشه : گلی رنگارنگ و زینتی با عمر نسبتاً طولانی

بوژان : رشد کرده - نامی کردی

بویان : خوشبو - مامی کردی

بهادر : شجاع و دلاور - نامی ترکی

بهار : شکوفه و گل - سه ماه اول سال شمسی

بهارک : بهار کوچولو

بهاره : بهاری

بهتاش : خوب و مانند

بهداد : نیک آفریده شده

بهرام : پیروز ، ایزد پیروزی در آئین زردشت ، لقب برخی از پادشاهان ساسانی

بهديس : خوش رنگ ، خوشگل

بهرخ : زيبا چهره ، قشنگ

بهرنگ : خوش رنگ

بهروز : خوشبخت ، نيکبخت

بهزاد : نيک نژاد - مينياتوريست مشهور صفويان - نام اسب سياوش

بهشاد : خوشحال وشاد

بهمن : نيک انديش - برف انبوه که از کوه فرو ريزد - جانشين اسفنديار

بهناز : خوش ناز ، باناز ، طناز

بهنام : نيک نام

بهنود : سلامت ، عافيت

بهنوش : کسي که نيک مينوشد

بيتا : بي همتا ، بي مانند

بيژن : ترانه خوان ، جنگجو - پسر گيو و دلداده منيژه

پارسا : پاکدامن ، زاهد

پاکان : پاکها - نامي کردي

پاکتن : نيکو چهر پاکيزه تن

پاکدخت : دختر پاک

پانته آ : همسر آرتاداس که مادها او را به کورش هديه کردند امانپذيرفت

پدرام : آراسته ، نيکو ، شاد

پرتو : روشن ، تابش

پرشنگ : تابش ، آتشپاره

پرتو : روشن ، تابش ، فروغ

پرستو : پرنده مهاجر

پرویز : پیروز - لقب خسرو دوم ، پادشاه ساسانی

پردیس : بهشت ، باغ و بوستان

پرهام : از اشخاص بسیار ثروتمند در زمان بهرام گور

پژمان : افسرده ، غمگین

پژوا : بیم و هراس

پرنیا : پارچه حریر

پشنگ : میله آهنی - نام پدرا فراسیاب

پروانه : حشره ای زیبا که خود را به شعله می زند

پروین : ثریا ، ستارگان کوچک نزدیک به هم

پری : فرشته ، جن ، همزاد

پریچهر : زیبا روی - نام زن جمشید شاه

پریدخت : دختر پری ، همسر سام نریمان و مادر زال

پریسا : همچون پری

پرناز : پری ناز دار

پریوش : پری روی ، فرشته روی

پریا : کبوتر بال شکسته ای که به دنبال آشیانه می گردد.

پوپک : هدهد

پوران : جانشین ، یادگار

پوران دخت : نام دختر خسرو پرویز

پوریا : پهلوان محمد خوارزمی ملقب به پوریای ولی

پولاد : آهن سخت و کوبیده ، نام پهلوان ایرانی زمان کیقباد

پویا : رونده و دونده - نامی کردی

پونه : گیاهی خوش عطر و بو که در کنار جویها می روید.

پیام : الهام ، وحی ، پیغام

پیروز : کامیاب ، فاتح ، نام چند نفر از پادشاهان ساسانی

پیمان : عهد ، قول و قرار - عنوان اسامی مردان در فارسی دری

تابان : تابنده ، منور

تاباندخت : دختر تابناک

تاجی : تاجدار ، نام و عنوانی در فارسی دری

تارا : ستاره

تاویار : آتشبان - نامی کردی

ترانه : زیبا و صاحب جمال ، سرود ، نغمه

تناز : نازنین ، با ناز و کرشمه - نامی کردی

توران : نام دختر خسرو پرویز - سرزمین تور

توراندخت : دختری از توران

تورج : دلاور ، یکی از سه پسر فریدون شاه

تورتک : خروس صحرائی ، قرقاول

توفان : باد سخت

توژال : برف اندک - نامی کردی

تیر داد : داده تیر ، اشک دوم پادشاه اشکانی

تینا : گل ، نامی کردی

تینو : تشنه ، نامی کردی

جابان : سردار ايراني يزدگرد

جامين : اسم يکي از قهرمانان ايران زمين ، نامي کردي

جاماسب : وزير گشتاسب که با دختر زرتشت ازدواج کرد

جاويد : پايدار ، هميشگي

جريره : نام دختر پيران ويسه که همسر سیاوش شد.

جمشيد : پسر طهمورث چهارمين پادشاه پيشدادي

جوان : برنا ، دلير ، شاداب

جويا : جوينده - پهلوان مازندراني بود که بدست رستم کشته شد.

جهان : دنيا ، عالم ، گيتي ، کيهان

جهانبخت : شانس و اقبال جهان

جهانبخش : بخشنده جهان

جهاندار : نگهبان جهان

جهانشاه : شاه جهان - نام يکي از امپراطوران مغول

جهانگير : فاتح جهان - نام پسر رستم

جهان بانو : بانوي جهان ، ملکه جهان

جهاندخت : دختر گيتي

جهان ناز : مايه فخر عالم

جيران : آهو ، نامي ترکي

چابک : زرنگ ، چالاک

چالاک : سريع و زبردست

چاوش : پيشرو و پيش قراول کاروان

چترا : دوازدهمین پادشاه سلسله ماد

چوبین : کنیه و لقب بهرام چوبین سردار انوشیروان

چهرزاد : نام دختر بهمن است که سی سال پادشاهی کرد

خاتون : خانم ، کدبانو ، نامی ترکی

خاوردخت : دختر مشرق زمین

خداداد : خدا داده

خدایار : دوست خدا - فرمانروای بخارا بوده است

خرداد به : خورشید داد - یکی از جغرافیدانهای معروف اسلامی

خرم : شاد و خندان - پهلوان خرم از عهد شاه شجاع است

خرمدخت : دختر شاد و خندان

خسرو : مشهور ، نیک نام - لقب چند تن از پادشاهان ساسانی

خشایار : قهرمان ، نیرومند - نام پسر داریوش کبیر هخامنشی

خورشید : درخشنده آفتاب - معشوقه جمشید در داستان جمشید و خورشید

دادمهر : زاده آتش ، نام استاندار پارسی طبرستان

دارا : مالدار ، ثروتمند ، از نامهای خداوند

داراب : نام پسر بهمن پادشاه کیانی

داریا : دارنده ، از نامهایی که در اوستا آمده است

داریوش : نگهبان نیکی - فرزند ویشناسب از شاهان بزرگ هخامنشی

دانوش : از اسمهایی که در کتاب وامق و عذرا آمده است

داور : حاکم عادل ، قاضی

دایان : ماما ، نامی کردی

دریا : بحر ، نام فرزند علاالدین عماد شاه

دل آرا : محبوب و معشوق

دل آویز : دلچسب ، دلکش ، آویزه دل

دل آرام : مایه آرامش دل / معشوقه بهرام گور

دل انگیز : گوارا ، مطلوب

دلبر : برنده دل ، یار و معشوق

دلبند : عزیز و گرامی

دلریا : رباینده دل ، محبوب

دلشاد : شادمان و خوشحال

دلکش : جذب کننده دل ، دلریا ، دلپذیر

دلناز : آنکه قلب و دلش ناز است

دلنواز : مهربان ، مشفق

دورشاسب : نام جد پنجم گرشاسب ، دور از اسب پادشاه

دنیا : عالم و گیتی

دیاکو : اولین پادشاه مادها در قرن هفتم پیش از میلاد

دیانش : دزد دریایی در داستان وامق و عذرا

دیبا : پارچه ابریشمی رنگی ، روی زیبا

دیبا دخت : دختر زیبا ، دختری همچون پرنیان

رابو : نام گلی بهاری - نامی کردی است

رابین : مشاور ، متعمد - نامی کردی است

رادبانو : بانوی بخشنده و جوانمرد

رادمان ( رادمن ) : نام سپهسالار خسرو پرویز ساسانی

رازبان : راز دار - عنوان مردان بزرگ در پارسی دری

راژانه : رازیانه - نامی کردی برای دختران

راسا : هموار و صاف - نامی کردی

رامتین : آرامش تن - موسیقی دان عهد ساسانیان

رامش : فراغت ، آسودگی ، راحتی ، نام هیربد زردشتی

رامشگر : خواننده و نوازنده ، خنیاگر

رامونا : نگهبان عاقل

رامیار : چوپان و گوسفند چران

رامیلا : خدای بزرگ ، نامی آشوری است

رامین : معشوقه ویس ، نام یکی از سرداران ایران

راویار : شکارچی - نامی کردی

رژینا : مانند روز - نامی کردی

رخپاک : دارای چهره پاک

رخسار : چهره ، سیما

رخشانه : منسوب به رخس

رخشنده : تابان ، کنایه از خورشید است

رزمیار : رزمنده ، مبارز

رستم : تنومند و قوی اندام ، جهان پهلوان ایرانی و قهرمان بزرگ شاهنامه

رکسانا : نورانی ، روشن

روبینا : یاقوت سرخ

رودابه : فرزند تابان ، زن پسرزا ، نام قلعه ای در غرب ایران

روزبه : خوشبخت : بهروز ، از موبدان بهرام گور ساسانی

روشنک : مشعل دار ، همچنین نام دارویی گیاهی است

روناک : روشن

رهام : نام پسر گودرز

رهي : راهي شده ، روان ، مسافر

ریبار : رهگذر ، نامی کردی

راسپینا : پائیز ، لغت زند و پازند

زادبخت : خوشبخت ، خوش اقبال

زاد به : بهزاد ، نیک زاده شده

زاد چهر : دارای نژاد پاک و اصیل

زاد فر : زاده روشنی

زال : فرزند سپید موی سام نریمان و پدر رستم قهرمان ملی ایرانیان

زادماسب : برادر شاپور ساسانی ، نام یکی از قضات ساسانی

زاوا : داماد ، نامی کردی

زردشت : صاحب شتر زرد و زرین ، پیامبر ایران باستان

زرنگار : طلا کوب ، زرین

زري : طلائی ، زربفت

زرین : طلائی رنگ ، منصوب به زر

زرینه : آنچه منسوب به زر است

زلیخا : لغزنده - زن فرعون که عاشق یوسف شد

زمانه : روزگار ، دهر

زونا : گیاهی با گل کیود رنگ ، نامی کردی

زیبا : خوشگل ، قشنگ ، خوب و نیکو

زیبار : قبیله ای از کردها ، نامی کردی

زیما : زمین ، لغت اوستائی

زینو : زنده ، پابرجا - نامی کردی

ژاله : شبنم ، قطره

ژالان : گلهای دارای قطره و شبنم - نامی کردی

ژیبار : زندگی ، زندگی شهری - نامی کردی

ژینا : زندگی و حیات - نامی کردی

ژیوار : زندگی

سارا : صحرا ، کوه و دشت - نامی کردی

سارک : سار کوچک ، پرنده ای سیاه رنگ و بزرگتر از گنجشک

سارنگ : نام سازی شبیه به کمانچه

ساره : بامداد ، فردا - نامی کردی

ساسان : سوال کننده ، رئیس معبد آناهید استخر که خاندان ساسانیان به او منسوبند

ساغر : پیاله شرابخوری ، جام

سام : سیه چرده - جهان پهلوان ایرانی وجد رستم

سامان : ترتیب ، نظام ، زندگی

سانا : سهل و آسان

ساناز : کمیاب ، نادر ، نام گلی است - اسمی ترکی است

سانیار : حامی و یار و پشتیبان - نامی کردی

ساویز : خوش اخلاق ، مهربان - نامی کردی

ساهی : آسمان صاف - نامی کردی

ساینا : خاندانی از موبدان زردشتی ، سیمرغ

سایه : منطقه تاریک پشت هر جسم ، حمایت

سپنتا : مقدس ، محترپ

سپند : اسفند

سپهر : آسمان ، نام فرزند کیخسرو

سپهرداد : بخشیده آسمان - داماد داریوش هخامنشی

سپیدار : درخت سفید

سپید بانو : بانوی سفید و درخشان

سپیده : سحرگاه ، سپیدی چشم

ستاره : کرات آسمانی که در شب می درخشند

ستی : دختر ، سینا

سرافراز : سربلند ، متکبر

سرور : رئیس ، پیشوا

سروش : شنیدن و فرمانبرداری - فرشته مظهر اطاعت

سرور : شادمانی ، خوشحالی

سوبا : شناگر ، فردا

سوبار : اسب سوار - لغت زند و پازند

سنبله : یک خوشه گندم

سودابه : دختر زا - سودده

سوری : سرخ رو ، نام دختر اردوان پنجم

سورن : خانواده ای در دوره اشکانیان که قدرتمند بودند

سورنا : سردار دلیر و خردمند پارتي

سوزان : سوزنده ، ملتهب

سوزه : سبزه ، نامي كردي

سوسن : گلي به رنگهاي سفید، كبود ، زرد و حنايي

سومار : نام قبیله اي از کردها

سولان : نام گلي است ، نامي كردي

سولماز : زني كه پيرو پژمرده نمي شود

سوگند : شاهد گرفتن خدا يا بزرگي را گویند

سهراب : سرخ روي ، نام پسر رستم كه در جنگ با رستم فرمانده سپاه تورانيان بود

سهره : پرنده اي خوش آواز، با پرهاي سبز و زرد

سهند : كوه آتشفشان قديمي در آذربايجان

سيامك : مجرد - نام پسر كيومرث

سياوش : دارنده اسب سپاه ، فرزند كيكاووس كه ناجوانمردانه و بي گناه به قتل رسيد

سيبويه : مانند سيب ، دانشمند شهير ايراني ، منصف الكتاب

سيما : چهره ، رخ

سيمدخت : دختر نقره اي و سفيد

سینا : مرد دانشمند ، نام پدر شيخ ابو علي سینا

سيمين : نقره اي ، سفيد ، روشن

سيمين دخت : دختر نقره اي و سفيد

شاپرک : پروانه

شادي : شادماني ، خوشحالي ، شور شادان : شادمان

شادمهر : مهربان ، با محبت

شاران : گردنبند درست شده از بادام - نامی کردی

شاهپور : پسر شاه ، شاهزاده - نام چند تن از شاهان ساسانی

شاهدخت : دختر شاه ، شاهزاده خانم

شاهرخ : شاه منظر ، کسی که رخساری همچون شاه دارد

شاهین : پرندۀ ای شکاری

شاهیندخت : دخت شاهین

شایسته : سزاوار ، لایق

شباهنگ : بلبل ، ستاره کاروان کش

شب بو : نام گلی است که شب هنگام باز می شود

شبدیز : سیه فام ، سیه چرده ، نام اسب خسرو پرویز

شبنم : رطوبتی که شب هنگام روی گلهای می نشیند

شراره : گرمای سوزان ، عشق فراوان ، نامی کردی

شرمین : شرمسار ، خجل

شروین : یکی از سرداران معاصر شاپور ذوالاکتاف ساسانی

شکوفه : گل درختان میوه دار ، شکفته

شکفته : خندان ، بشاش

شمشاد : درختی زینتی و تقریباً همیشه سبز که دستمایه بسیاری از شاعران است

شمین : خوشبو ، خوش عطر

شوان : شبان ، چوپان - نامی کردی

شمیلا : از نامهای ارمنی ایرانی به معنی بانوی بزرگوار

شورانگیز : فتنه انگیز ، ایجاد کننده شور و شوق

شوري : خوش قیافه ، قد بلند- نامي كردي

شهاب : شعله آتش ، سنگ آسماني ، ستاره دنباله دار

شهباز : درخورشاه ، لایق شاه

شهباز : باز سفید رنگ ، شاه باز

شهبال : پر بزرگ پرندگان

شهپر : پرشاهانه

شهداد : داده و بخشیده شاه

شهر آرا : آنکه به زیبایی مایه آرایش شهر است ، آرایش دهنده شهر

شهرام : رام و مطیع شاه

شهربانو : بانوي شهر ، ملکه ، همسر امام حسين و مادر امام سجاد

شهرزاد : شهرزاده ، بومي - نقل قصه هاي هزار و یک شب

شهرناز : خواهر جمشید و همسر ضحاک ماردوش

شهرنوش : شیريني شهر

شهر روز : شاهروز

شهره : مشهور و نامي

شهریار : پادشاه ، یارشهر ، نام پسر برزو پسر سهراب

شهرزاد : شاهزاده ، فرزند شاه

شهلا : زن سیه چشم

شهناز : شاه ناز - دختری بود از خاندان آل بویه

شهنواز : نوازش شده شاه

شهین : منسوب به شاه

شبیبا : نسیم شبانه - نامي كردي

شیدا : آشفته و عاشق

شیده : خورشید ، درخشان

شیردل : پهلوان و دلاور

شیرزاد : شیر بچه ، همچون شیر

شیرنگ : به رنگ شیر ، مانند شیر

شیرو : پهلوان معاصر با گشتاسب ، نام سردار فریدون

شیرین دخت : دختر شیرین

شیما : دخترانه ، نامی کردی

شینا : قدرتمند ، توانا - نامی کردی

شیرین : مطبوع و گوارا ، معشوقه خسرو پرویز

شیوا : شیرین بیان ، خوش زبان ، ایزد بزرگ هندیان باستان

طوس : فرزند نوذر پهلوان ایرانی شاهنامه

طوطی : پرنده سبز رنگ و سخنگوست و نام برخی زنان در فارسی دری است .

طهماسب : دارای اسب قوی - نام پسر منوچهر

طهمورث : روباه تیزرو و قوی ، پادشاه پیشدادیان و پدر جمشید

طرلان : باز شکاری - نامی ترکی است

غوغا : آشوب ، هیاهو

غنچه : گل نشکفته ، کنایه از دهان معشوق

فتانه : از نامهای کردی برای دختران

فدا : قربانی ، نامی کردی

فراز : بلندی و شکوه

فرامرز : شکوه مرزداري - نام پسر رستم داستان

فرانک : سیاه گوش ، نام مادر فریدون ، نام همسر بهرام گور ساساني

فراهان : محل شکوه و جلال

فربد : مناعت ، بزرگي

فربغ : شکوه خداوند

فرجاد : دانشمند و فاضل

فرخ : تابان و زیبا - نام یکی از امیران سیستان در عهد سلجوقیان

فرخ پی : نیک پی و نیک قدم

فرخ داد : مبارک آفریده شده

فرخ رو : داراي صورت زیبا

فرخ زاد : مبارک زاد ، خجسته زاد ، رستم فرخزاد سردار معروف ساسانیان است

فرخ لقا : دراي چهره زیبا ، خوشگل

فرخ مهر : زیبا چون خورشید

فرداد : داده شکوه وزیبائی

فردیس : بهشت ، بوستان

فرین : یگانه ، شکوه دین ، مخفف فروردین ماه اول بهار

فرزاد : زاده فرو شکوه

فرزام : شایسته و لایق - نامی کردی

فرزان : عاقل ، حکیم ، دانشمند

فرزانه : دانشمند ، عاقل و عالم

فرزین : عالم ، وزیر دربار

فرشاد : شادمان ، مسرور ، خوشحال

فرشته : فرستاده الهي و آسماني

فرشيد : درخشانتر ، نام برادر پيران و پيسه

فرمان : دستور ، حكم

فرناز : داري ناز فراوان

فرنگيس ( فري گيس ) : نام دختر افراسياب و همسر دوم سياوش

فرنود : دليل و برهان

فرنوش : شكوه ، نام پادشاه باستاني ماد

فرنيا : نامي براي پسران

فروتن : افتاده حال ، متواضع

فرود : پائين - نام پسر سياوش ، نام پسر كيخسرو و نام پسر خسرو پرويز و شيرين

فروز : روشنائي ، روشني

فروزان : تابان ، درخشان

فروزش : روشني ، تابناك

فروزنده : درخشان ، درخشنده

فروغ : روشنائي ، تابش

فرهاد : عاشق افسانه اي شيرين

فرهنگ : شكوه ، ادب ، تربيت

فرهود : صداقت و راستي در دين

فربار : همراه خوب و شايسته

فريبيا : زيبا و فريبنده

فريد : بي همتا، نامي كردي

فریدخت : دختر بی همت

فریدون : دارای شکوهی اینچنین ، پادشاه پیشداری که بر ضحاک ماردوش غلبه کرد

فریمان : فر و شکوه ایمان

فریناز : عشوه گر ، پریناز

فرینوش : شکوه شیرین

فریوش : زنگ ، همان پریش هم هست

فیروز : پیروز و مظفر

فیروزه : سنگی گرانبها با رنگ فیروزه ای

قابوس : معرب کاوس است

قباد : سرور گرامی ، شاه محبوب ، پدر کیکاوس از پادشاهان کیانی

قدسی : بهشتی ، روحانی

قزل ارسلان : شیر سرخ - نام دوتن از اتابکان آذربایجان - نامی ترکی

کابان : کدبانو ، نامی کردی برای دختران

کابوک : کبوتر ، نامی کردی برای دختران

کارا : فعال و کوشا

کارو : از نامهای ارمنی ایرانی به معنی نوید دهنده

کاراکو : نام یکی از سرداران ماد

کامبخت : کسی که بخت به کام اوست

کامبخش : آرزو دهنده ، مراد بخش

کامبیز : صورت فرانسوی (( کمبوجیه )) پسر کورش است

کامجو : کامجوینده

کامدین : یکی از دانایان دین زردشت

کامران : سعادت‌مند و خوشبخت

کامراوا : به مقصود و مراد رسیدن

کامک : آرزو و خواهش کوچک

کامنوش : کامروا ، خوشبخت

کامیار : کامروا و پیروز

کانیار : معدن شانس ، نامی کردی

کاووس : پادشاه توانا - از پادشاهان کیانی و پسر کیقباد

کاوه : آهنگر معروف ایران باستان که علیه ضحاک قیام کرد

کتایون : جهان بانو ، دختر قیصر روم و مادر اسفندیار

کرشمه : ناز و غمزه

کسری : معرب خسرو است

کلاله : موی پیچیده ، دختری با موهای مجعد

کمبوجیه : نام پسر کورش کمبوجیه است

کوشا : کوشنده ، ساعی

کهبد : خداوند کوه ، عابد

کهرام : رام شده کوه نام برادر و سردار افراسیاب

کهزاد : زاده کوه ، کسی که در کوه زائیده شده است

کیارش : شهریار بزرگ

کیان : پادشاه ، امیران

کیانا : فرستاده ، نامی کردی

کیانچهر : دارای چهره پادشاهان

کیاندخت : شاهدخت ، دختر شاه

کیانوش : بسیار شیرین ، نام یکی از دو برادر فریدون در شاهنامه

کیاوش : بزرگوار - نام پدر کیقباد

کیخسرو : پادشاه نیکنام ، نام پسر سیاوش و سومین پادشاه کیانیان

کیقباد : پادشاه محبوب - پدر کیکاوس و سر سلسله کیانیان

کیکاوس : سیاه چرده ، سیزه ، نام پسر کیقباد و پدر کیاوش

کیوان : سیاره زحل و دومین سیاره منظومه شمسی پس از مشتری است .

کیوان دخت : دختر سیاره کیوان

کیومرث : نخستین انسان ، و به گفته شاهنامه نخستین پادشاه

کیهان : جهان و گیتی

کیاندخت : دختر گیتی

کیهانه : جهان کوچک

گابان : یکی از یاران کرد پیامبر اسلام ( ص ) که به استقبال اسلام رفت

گئومات : نام پسر کورش که ادعای پادشاهی اما داریوش او را اسیر ، و کشت

گرد آفرید : پهلوان زاده شده

گردان : پهلوانان ، یلان

گرشا : به ر وایت شاهنامه همان کیومرث اولین پادشاه است

گرشاسب : صاحب اسب لاغر ، پهلوان ایرانی و جد رستم

گرشین : شعله آبی ، نامی کردی برای دختران

گرگین : منسوب به گرگ ، پسر میلاد از پهلوانان زمان کیخسرو

گزل : زیبا ، نامی ترکمنی است

گشتاسب : صاحب اسب رمنده ، پدر داریوش هخامنشی

گشسب : دارنده اسب نر

گشسب بانو : دختر رستم و زن گیو

گل : گیاهان رنگی کوچک که دستمایه شاعرانند

گل آذین : حالت قرار گرفتن گلها روی شاخه ها

گل آرا : آراینده گل

گلاره : تخم چشم ، نامی کردی

گل افروز : فروزنده گل

گلاله : دسته گل

گل اندام : آنکه اندامش مانند گل است

گلاویز : گیاهی برای زینت گل

گلباد : داری بوی گل

گلبار : پرگل ، گل افشان

گلپام : گلپانگ

گلپان : نگهدارنده گل

گلپانو : بانوی چون گل

گلبرگ : هر یک از برگهای یک گل ، مثل برگ گل

گلبو : معطر ، خوشبو

گلپهار : مثل گل بهاری

گلپیز : گل افشان

گلپاره : تکه گل ، پاره ای از گل

گلپیر : برگ گل ، پر گل

گلپري : پري همچون گل

گلپوش : پرازگل ، پوشيده از گل

گل پونه : کسي که چهره اش به لطافت گل است

گلچين : باغبان ، عاشق گل ، کسي که گل مي چيند .

گلدخت : دختر گل

گلدیس : به رنگ گل ، مانند گل

گلربا : رباینده گل

گلرخ : بسیار زیبا همچون گل

گلرنگ : به رنگ گل ، شرابي رنگ

گلرو : زیبا و سرخ رو

گلشن : گلزار و گلستان

گلریز : ریزنده گل

گلزاد : زائیده گل

گلزار : گلستان ، جاي پرگل

گلسا : مثل گل

گلشید : درخشان چون گل

گلنار : گل انار ، شکوفه انار

گلناز : کسي که ناز و غمزه اش مثل گل است

گلنسا : گل بانو ، خانم گل

گلنواز : نوازش شده گل

گلنوش : شیرین مثل گل

گلي : مانند گل ، قرمز رنگ

گودرز : از پهلوانان عهد کاوس و کیخسرو و یکی از پادشاهان معروف اشکانی

گوماتو : انقلابی زمان مادها که برای براندازی مادها و هخامنشیان قیام کرد

گهر چهر : آنکه چهره اش همچون گوهر است

گوهر ناز : کسی که همچون گوهر نازش گرانبهاست

گیتی : دنیا ، جهان ، عالم

گیسو : موی بلند زنان

گیلدا : طلا

گیو : پهلوان نامی شاهنامه و پدر بیژن

لادن : گلی به رنگهای زرد و نارنجی

لاله : گلی که رنگهای گوناگون دارد و معروفترین آن لاله سرخ و صحرائی است

لاله رخ : کسی که روی همچون لاله دارد

لاله دخت : دختر لاله

لبخند : تبسم

لقاء : چهره ، سیما

لومانا : نام محلی در کردستان ، نامی کردی برای دختران

لهراسب : دارای اسب تندرو ، از پادشاهای کیانی و پدر گشتاسب

مارال : آهو ، نامی ترکی

ماری : کبک ماده ، نامی کردی

مازیار : اورا مزدایار - پسر قارون فرمانروای طبرستان

ماکان : نام پسر یکی از سران دیالمه

مامک : مادر کوچک و مهربان

مانا : نام خداوند بزرگ و نام یکی از دولتهای ماد ، نامی کردی

ماندانا : دختر آزدهاک و مادر کورش هخامنشی

مانوش : کوهی که منوچهر در بالای آن متولد شده است

مانی : پیامبر ایرانی در زمان شاپور ساسانی

مانیا : خسته شده ، نامی کردی

ماهان : منسوب به ماه

ماهاندخت : دختر ماهان

ماه برزین : یکی از بزرگان دولت ساسانیان

ماه جهان : زیبای جهان

ماهچهر : زیبا رو ، قشنگ

ماهدخت : دختر ماه

ماهور : تابناک - نامی کردی

ماهرخ : آنکه صورتی چون ماه زیبا دارد

ماهزاد : زاده ماه

مرداویز: جنگنده و دلاور

مرداس : مرد آسمانی - نام پدر ضحاک که مرد نیکی بود و بدست پسرش کشته شد

مرزبان : مرزدار - مرزبان بن رستم نویسنده کتاب مرزبان نامه

مرمر : از سنگهای آهکی که صیقلی و جلا پذیر است ، سنگ مرمر

مزدک : خردمند کوچک - مردی که در زمان ساسانیان ادعای پیغمبری کرد اما کشته شد

مژده : نوید ، بشارت

مژگان : مژه ها

مستان : شادان ، شادمان

مستانه : خوشحال ، مانند مست

مشکاندخت : دختر خوشبو

مشکناز : مشک ناز دار

مشکین دخت : دختر مشک آلود و معطر

منیژه : پاک و سفید روی - نام دختر افراسیاب

منوچهر : کسی که چهره بهشتی دارد - از پادشاهان پیشدادی

مهبانو : بانوی بزرگ ، بانوی همچون ماه

مهبد : یکی از وزیران انوشیروان ساسانی

مه داد : از فرماندهان نظامی پارسیان و یکی از نامهای دوران هخامنشی

مهتاب : ماه تابان ، ماه تابناک

مه‌دیس : ماهرو ، زیبا ، خوشگل

مه جبین : آنکه پیشانی‌اش مانند ماه درخشان است

مه دخت : ماه دخت ، دختر ماه

مهر آذر : یکی از موبدان پارس در زمان انوشیروان - خورشید آذر

مهر آرا : آرایش دهنده مهر

مهر آسا : همچون خورشید زیبا روی

مهر آفاق : خورشید افقها

مهر افرین : عشق آفرین ، آفریننده عشق

مهر آب : کسی که فروغ خورشید دارد - نام جد مادری رستم

مهر داد : بخشنده ماه

مهر افزون : بالا برنده عشق و محبت

مهرام : رام شده ماه

مهران : منسوب به مهر است و یکی از خاندانهای عصر ساسانی

مهراندخت : دختر مهر و محبت

مهراندیش : دارای اندیشه با مهر و محبت

مهرانفر : شکوه

مهرانگیز : ایجاد کننده مهر و محبت و عشق مهرپویا : پوینده مهر

مهرداد : داده خورشید - نام چند تن از پادشاهان اشکانی

مهر دخت : دختر آفتاب

مهرزاده : زاده خورشید ، زیبا روی

مهرناز : ناز خورشید

مهرنوش : خورشید جاویدان - یکی از پسران اسفندیار که بدست فرامرز کشته شد

مهرنکار : آرایش دهنده خورشید ، مهر آرا- نام یزدگرد

مهرنیا : از نژاد مهر

مهروز : آنکه روزی چون خورشید دارد

مهری : منسوب به مهر ، منسوب به خورشید

مهریار : دوست خورشید

مهسا : مانند ماه زیبا روی

مهستی : ماه هستی ، ماه روزگار ، گرانبهاترین

مه سیما: آنکه صورتی چون ماه دارد

مهشاد : ماه شادمان

مهشید : پرتوماه

مهنام : آنکه نامش چون ماه است

مهناز : ناز ماه

مهوش : ماه هميشگي

مهوش : مانند ماه

مهيار : يار ماه ، نام پسر داريوش سوم هخامنشي

مهين : ماه زيبا رو

مهين دخت : دختر بزرگ

ميترا : دوستي و محبت و مهر

ميخک : گلي زيبا به رنگهاي قرمز ، سفيد ، صورتي وزرد

ميلاد : گانش آموز ، شاگرد - نامي كردي

مينا : گلي کوچک و زينتي ، گردنبند

مينا دخت : دختر مينا

مينو : بهشت ، جنت

مينودخت : دختر بهشت ، دختر پاک

مينو فر : داراي شکوه بهشتي

نادر : کمياب ، بي همتا - نادر شاه افشار سر سلسله افشاريه در ايران

ناز آفرين : معشوقي که ناز فراوان مي کند

نازبانو : بانوي ناز دار

نازپرور : پرورش يافته در ناز

نازچهر : کشي که چهره ناز دارد

نازفر : داراي شکوه

نازلي : پرناز و غمزه - نامي ترکي براي دختران

نازي : با ناز ، اهل ناز

نازیدخت : دختر ناز

نامور : مشهور ، ارزنده

ناھید : پاک و بی آلايش - نام مادر اسفندیار و مادر اسکندر

ندا : آواز ، بانگ ، فریاد

نرسي : فرشته وحی در اوستا - نام پسر شاپور نوه اردشیر بابکان

نرگس : گلي خوشبو و زیبا

نرمک : زیبا و لطیف - نامی کردی برای دختران

نرمین : لطیف و ملایم

نریمان : پهلوان ، دلیر - نام پدر سام

نسترن : گلي سفید و زیبا از گونه های نرگس

نسرین : گلي سفید و پر برگ

نسرین دخت : دختر نسرین

نسرین نوش : نام همسر بهرام گور

نکیسا : نوازنده و خواننده دربار خسرو پرویز ساسانی

نگار : نقش ، بت ، صنم

نگاره : شکل دارای نقش و نگار

نگارین : نقاشی شده

نگین : گوهر قیمتی

نوا : ناله ، آواز

نوش ( انوش ) : زندگی جاوید

نوش آذر : آتش جاویدان - از آتشکده های عصر ساسانی

نوش آور : چيزي كه زندگي و حيات مي آورد

نوشا : نوشنده ، آشامنده

نوش آفرين : آفريننده شادي و شيريني

نوشدخت : دختر شاد

نوشروان ( انوشيروان ) : جاويدان ، اولين خسرو ساساني

نوشفر : شكوه جاويد

نوشناز : داراي ناز و اداي شيرين

نوشين : گوارا و شيرين

نويد : مزده و بشارت

نوين : تازه ، جديد

نوين دخت : دختر تازه به دنيا آمده

نيش ا : خال و نشانه - نامي كردي براي دختران

نيك بين : خوش بين

نيك پي : پاك نژاد

نيك چهر : خوشگل و زيبا

نيك خواه : شخص خير خواه و خيراندیش

نيكداد : بخشنده نيكي

نيكدخت : دختر پاك و نيكو

نيكدل : دل پاك

نيكزاد : زاده نيكي و پاكي

نيلوفر : گل پيچك و زينتي به رنگهاي سفيد و سرخ و آبي

نیما : لقب علي اسفندیاري پدرشعر نو در ایران ، نیما یوشیج

وامق : دوست دارنده ، عاشق - عاشق عذرا

ورجاوند : ارجمند - به اعتقاد زردشتیان کسی که در آخر زمان ایران را آباد می کند

وریا : پیدار ، آگاه - نامی کردی برای پسران

وشمگیر : شکارچی بلدرچین - نام نام پسر وردانشاه از مولوک دیالمه

وهرز : نام مرزبان کشور یمن در عهد انوشیروان

وهسودان : نیک آسوده و آرام - عنوان یکی از سلاطین آذربایجان

ویدا : آموزنده و تعلیم دهنده

ویس : نام معشوق رامین در داستان ویس و رامین

ویشتاسب : صاحب اسبان فراوان

ویگن : از اسمهای ارمنی ایرانی به معنی جهش و پرش

هژیر : خوب چهره ، نام یکی از پسران گودرز که بدست سهراب کشته شد

هخامنش : دوستار اندیشه - نام جد کورش کبیر

هربد (هیربد) : حاکم آتشکده ، موبد موبدان

هرمز : اهورمزدا ، خدای بزرگ ایرانیان - نام پسر بهمن و نام پسر انوشروان

همایون : مبارک ، خجسته - نام تنی چند از پادشاهان هندوستان

هما : فرخنده ، مبارک ، مرغ سعادت - نام دختر گشتاسب و خواهر اسفندیار

همادخت : دختر مبارک و فرخنده بخت

همدم : رفیق و مونس و همزبان

همراز : محرم اسرار

همراه : دوست و یار موافق

هنگامه : غوغا ، شلوغی ، دادو فریاد

هوتن : خوش اندام ، نام يکي از متحدان داريوش در حمله به مغان

هور : خورشيد ، آفتاب

هورتاش : همچون خورشيد

هورچهر : تايان روي ، زيبا

هورداد : فرستاده و داده خورشيد

هوردخت : دختر خورشيد

هورزاد : زاده خورشيد

هورمند : شبيه خورشيد

هوروش : خورشيد مانند ، مثل خورشيد

هوشنگ : هوش و در ايت - نام يکي از سلاطين پيشدادي و فرزند سيامک

هوشيار : با هوش و آگاه

هومان : نيك انديش ، نام يکي از سرداران افراسياب و نيز نام برادر پيران ويسه

هومن : نيك منش

هونام : خوشنام ، نيکنام

هویدا : آشکار و نمايان

هيناسب : صاحب اسب بسته شده

هيرمند : يکي از القاب گستاسب ، آتش پرست

هيما : اشاره ، نامي کردي براي دختران

هيوا : اميد و آرزو - نامي کردي براي دختران و پسران

يادگار : آنچه از انسان بجاي ماند - پسر پادشاه گرجستان

ياسمن ( ياسمين ) : گل زيبائي به رنگ سفيد و زرد و کبود

ياشار : عمر كننده ، نامي تركي براي پسران

ياور : كمك و همدست و يار

يزدان : خداوند ، آفريدگار هستي

يگانه : بي نظير ، بي مانند

يوشيتا : پهلواني از خاندان (( فريان )) نامي اوستائي